

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**عدم عصمت**

**نقض غرض از نبوت و امامت**

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۲۰ جمادی الأول ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### چکیده سخن

۳

در سخنان گذشته به بررسی عصمت انبیای الهی علیهم السلام و اوصیای گرامیشان علیهم السلام از منظر عامه و شیعه پرداخته شد و معلوم شد که عصمت از منظر شیعه، دوری از گناه، خطا و اشتباه در علم و عمل است؛ یعنی انبیا و اوصیای ایشان علیهم السلام هرگز در گفتار، رفتار، فکر و اندیشه دچار خطا و انحراف نمی‌شوند و از خطای علمی و عملی مصون هستند؛ به عبارت دیگر، عصمت ویژگی و حالتی است که دارنده آن از خطا، اشتباه و انحراف، مصون و محفوظ می‌ماند و در تمام شؤون حیات و زندگی، اعم از دریافت وحی و ابلاغ پیام الهی و همچنین در تمام شؤون شخصی، خانوادگی و روابط اجتماعی هرگز در وادی خطا، اشتباه، نسیان و انحراف وارد نمی‌شود. در سخنان گذشته به دلایل عقلی و نقلی فراوانی اشاره شد که برای تکمیل آن مباحث، به دلایل عقلی و منطقی دیگری اشاره خواهیم کرد.

### عصمت در منظر عقل و منطق

یکی از دلایلی که می‌تواند هر انسان و هر نگرشی را قانع کند، دلیل عقلی است. دلایل عقلی با توجه به اینکه مقدم، تالی و نتیجه دارند، از هر گونه خدشه و اشکال به دور هستند. متکلمان شیعه در کتاب‌های خود علاوه بر دلایل نقلی، به ذکر دلایل مفصل عقلی نیز برای اثبات عصمت پرداخته‌اند.

خواجه نصیر الدین طوسی رحمته الله یکی از متکلمانی است که در این زمینه به طرح دلایل عقلی پرداخته است. او کتاب کوچکی به نام **تجرید الاعتقاد** برای اثبات عقاید شیعه نگاشته است. این کتاب در زمانهای قدیم در حوزه‌های علمیّه تدریس می‌شده است؛ ولی امروزه متأسفانه این کتاب از فهرست دروس حوزوی خارج گردیده و به جای آن، دروس کم فایده‌تری جایگزین شده است. عبارات این کتاب، آنچنان مبهم و پیچیده است که نمی‌توان بدون استاد و مدرّس از عمق مطالب آن آگاهی یافت.

ایشان رحمته الله در این کتاب، دلایل عقلی عصمت را در چهار خط بیان نموده‌اند که ابتدا متن آن را نقل می‌کنیم و سپس به شرح آن خواهیم پرداخت.

در این کتاب گرانمایه آمده است:

«وامتناع التسلسل، یوجب عصمته ولأته حافظ للشرع ولوجوب الإنکار علیه لو أقدم علی المعصية فیضاداً أمر الطاعة ویفوت الغرض من نصبه ولانحطاط درجته عن أقلّ العوام»<sup>(۱)</sup>.

۱. کشف المراد (فی شرح تجرید الاعتقاد)، صفحه ۳۹۰.

ممنوع بودن تسلسل، عصمت امام علیه السلام را ایجاب می‌کند و به خاطر اینکه امام علیه السلام حافظ و نگهبان شریعت است. و از سوی دیگر، اگر امام علیه السلام گناه و معصیت کند باید او را از منکر نهی کرد که در نتیجه با امر به اطاعت و پیروی از ایشان علیه السلام متضاد می‌شود و همچنین [در صورت گناه] غرض و هدف از نصب امام علیه السلام از بین می‌رود و درجه امام علیه السلام را از عوام الناس پایین تر می‌آورد. سعی و تلاش ما در این است که با استفاده از این متن و با ذکر هفت دلیل عقلی و منطقی، عصمت را به صورت مطلق اثبات نماییم.

### ۱. انکار عصمت، ایرادی به خداوند متعال

طبق این دلیل، اگر عصمت را نپذیریم، هیچ اطمینان و تضمینی وجود ندارد که شخص ارسال شده از ناحیه خداوند متعال، در تلقی وحی یا در ابلاغ آن یا در هر دو، دچار اشتباه و لغزش نشود و اگر اطمینان حاصل نشد، می‌توان به خداوند متعال اشکال گرفت که چرا فردی را به رسالت برگزید که مردم به او و سخنانش اطمینان حاصل نمی‌کنند؟ به عنوان مثال، اگر کسی قرار باشد پیکری را به سوی مکان، محلّ یا مجلس خاصی بفرستد، اما نامه‌ای مکتوب به او ندهد و به الفاظ گفته شده به آن شخص کفایت کند، کسی را برای این مأموریت برگزیند که به صداقت، هوش و ذکاوت او اطمینان دارد؛ زیرا اگر فرد نامطمئن، دروغگو یا نادانی را به این مأموریت بفرستد، بیم آن می‌رود که سخنانی غیر از

آنچه مقصود است به مردم ابلاغ کند و این مسئله به عدم اطمینان مردم ختم شود؛ به عبارت دیگر، اطمینان به شخصی هنگامی حاصل می‌شود که از گناهان عملی و علمی (فکری) مصون و محفوظ باشد؛ در غیر این صورت ممکن است، مطلب و مقصود شما را اشتباه نقل کند، (سهواً یا نسیاناً) یا اینکه از روی عمد و آگاهی و به قصد تخریب منزلت و جایگاه شما، مطالب دیگری را به مردم ابلاغ نماید. یک انسان معمولی و حتی کم سواد جامعه هم، چنین شخصی را برای رساندن مقصودش انتخاب نمی‌کند، آیا می‌توان پذیرفت که خداوند متعال، چنین اشخاصی را برای هدایت مردم برانگیخته است؟ قطعاً اگر خداوند متعال چنین کند، دیگر هیچ حجت و برهانی علیه مردم نخواهد داشت و هرگز نمی‌تواند در روز قیامت مردم را بر گناهان و انحرافاتشان مجازات و مؤاخذه نماید.

از سوی دیگر، مردم خواهند گفت: چه وجوبی دارد طبق قول کسی رفتار کنیم که در او احتمال خطا و اشتباه (عمداً، سهواً یا نسیاناً) می‌رود و چرا باید به سخنان و ادعاهای چنین شخصی ترتیب اثر دهیم؟ بنابراین، عقلاً و برهاناً بر خداوند متعال لازم و فرض است که اشخاصی را واسطه خود و مردم قرار دهد که دارای صفت عصمت باشند تا اطمینان و یقین در مردم، به وجود آید.

#### ۲. نقض غرض از بعثت

اگر پیام آور الهی از صفت عصمت برخوردار نباشد، عقلاً عمل به پیام‌های او منتفی است؛ به همین دلیل نقض غرض از بعثت انبیا علیهم‌السلام لازم می‌آید. خداوند متعال در مورد غرض از بعثت انبیا علیهم‌السلام می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ  
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ  
اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را ببیند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

طبق آیه فوق، یکی از غرض‌های خداوند متعال از بعثت انبیا عليهم السلام و ارسال رسل، اقامه عدل و هدایت مردم است؛ ولی اگر مردم به حکم عقل خود از پیام‌های شخصی که مرتکب گناه و خطا می‌شود، پیروی نکنند، این غرض (اقامه عدل و داد و هدایت مردم) در جامعه پیاده نخواهد شد و در این صورت همه اهداف رسالت، محقق نمی‌شود. اهل سنت به رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم اشتباه، انحراف و لغزش‌های فراوانی در طول حیات پربرکتشان، نسبت می‌دهند و حتی معتقداند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تلقی وحی هم معصوم نبودند و افسانه غرانیق را شاهد گفته خود می‌دانند<sup>(۲)</sup>؛ ولی از آنان می‌پرسیم: اگر واقعاً رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. برای نقد این مطلب، ر، ک، جزوه شماره ۸۶.

صفت عصمت برخوردار نبودند، بر اساس چه دلیلی باید از ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی کنیم؟ آیا این سخن شما به معنای نقض غرض از بعثت نخواهد بود؟ البته این دلیل در مورد اوصیا و جانشینان انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز صادق است؛ به این معنی که اگر مردم بدانند اوصیای انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام دارای مصونیت و عصمت نیستند، این تفکر موجب سلب اعتماد و اطمینان آنها خواهد شد و به گفته‌های پیام آوران عمل نمی‌کنند و در این صورت، نقض غرض خلافت و وصایت لازم می‌آید؛ به عنوان مثال، اگر به آموزه‌های معلّم، مربّی، امام جماعت، خطیب و ... اعتماد و عمل نشود، تمام زحمات آنها و گذشتگان‌شان به هدر خواهد رفت.

### ۳. ویژگی عصمت، باعث رفع اختلاف

طبق این دلیل، اگر ویژگی عصمت نباشد، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها از میان امت برچیده نخواهد شد. هنگامی که پیامبری از دنیا می‌رود و کسی را به عنوان پیامبر و جانشین خود معرفی می‌کند، اگر مردم این پیامبر و جانشین او را به این عنوان نپذیرند، بین امت اختلاف رخ می‌دهد و هر کسی پیامبر و جانشینی را بر می‌گزیند. این مسئله را می‌توان در مورد وصی و جانشین رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بیان نمود؛ یعنی بعد از ارتحال رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اگر مردم جانشین ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان امام و وصی نپذیرند، اختلاف و پراکندگی میان مردم به وجود خواهد آمد. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در خطبه معروف فدکیه فرمودند:

«و طاعتنا نظاماً للملّة وإمامتنا أماناً من الفرقة»<sup>(۱)</sup>.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۹ صفحه ۲۲۳.



خداوند، اطاعت و پیروی از ما را موجب نظم و انضباط ملت اسلام و پیشوایی ما را سبب جلوگیری از پراکندگی و اختلافها قرار داد.

بنابراین، پذیرش امامت از سوی مردم از تشتت و پراکندگی در صفوف مسلمانان جلوگیری می‌کند؛ در غیر این صورت اگر مردم به دلیل معصوم نبودن، از انبیا و اوصیای ایشان علیهم‌السلام پیروی و اطاعت نکنند و هر کس طبق تلقی و برداشت خودش به دنبال امامی برود، حاصل آن پراکندگی و تفرقه از حول محور اصلی دین (امامت) خواهد بود.

#### ۴. وجوب اطاعت زیر سؤال می‌رود

طبق این دلیل، اگر عصمت در انبیا و اوصیای ایشان علیهم‌السلام وجود نداشته باشد، پرسشی به ذهن خطور می‌کند که چرا خداوند متعال، اطاعت رسول و اولی الامر را در کنار اطاعت خود واجب نموده است؟

خداوند متعال در آیه‌ای - که به آیه اطاعت معروف است - می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾<sup>(۱)</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را؛ و اطاعت کنید پیامبر

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

خدا ﷻ و اولی الامر ( اوصیای پیامبر ﷺ ) را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنها داوری بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این [کار] برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

در مباحث توحید - که در آینده مطرح خواهیم کرد - اثبات می‌کنیم که این آیه به حکم عقل، وجوب اطاعت از ذات اقدس الهی را اثبات می‌کند؛ ولی سؤال این است که چرا خداوند متعال اطاعت رسول و اولی الامر را نیز در کنار اطاعت عقلی خود واجب نموده است؟ این پرسش از آنجا ناشی می‌شود که اگر ویژگی عصمت و عصمت را نپذیریم، عقل نمی‌تواند بپذیرد که اطاعت انسانی خطا کار و عاصی در کنار اطاعت خداوند متعال واجب شود؛ زیرا عقل صحیح و سلیم حکم می‌کند که اگر راهی را از بلد<sup>(۱)</sup> پرسیدی در صورتی که به او یقین و اطمینان داری باید به گفته او جامه عمل بیوشانی؛ ولی اگر به گفته او یقین نداری و از خیانت و دروغ گویی او در امان نیستی نباید به گفته او عمل کنی؛ زیرا بیم آن می‌رود که گمراه شوی.

### ۵. انکار عصمت موجب تسلسل

اگر امام عَلَيْهِ السَّلَام از خطا و اشتباه مصون نباشد، طبعاً او کسی است که در اندیشه و عمل دچار خطا، اشتباه، انحراف و لغزش می‌شود و در نتیجه او نیز به امام و

۱. بلد کسی است که راه را می‌شناسد و دیگران را راهنمایی می‌کند ( فرهنگ معین ).

پیشوای دیگری محتاج است که او را راهنمایی و هدایت کند؛ زیرا انسان کور و نابینا نمی‌تواند عصاکش کور و نابینای دیگری شود و فقط انسان عالم، آگاه و پاک است که می‌تواند انسان‌ها را از سقوط در وادی گناهان و لغزش‌ها نجات دهد. حال اگر مدعی امامت بعدی هم معصوم نباشد، این سخن به شخص بعدی سرایت می‌کند و به همین صورت باید برویم تا به انسان پاک و معصوم دست یابیم و این تسلسل است که در علم منطق و فلسفه، ممتنع و محال بودن آن اثبات شده است. بنابراین، طبق حکم عقل، الزاماً باید کسی که مدعی امامت است دارای ویژگی عصمت و مصونیت علمی و عملی باشد تا هیچ‌گاه در وادی گناهان و لغزش‌ها سقوط نکند.

### ۶. تضاد در لواهر الهی

طبق این دلیل، اگر عصمت معتبر نباشد تضاد و سر در گمی عجیبی در اوامر الهی حاصل می‌شود؛ زیرا خداوند متعال طبق آیه ۵۹ از سوره نساء، اطاعت رسول و اولی الامر را واجب کرد و اطاعت آنها را با اطاعت خود قرین و همراه نمود. از سوی دیگر، یکی از واجبات، نهی از منکرات است؛ یعنی اگر دیده شد انسانی در گرداب گناهان غوطه ور است، باید او را از ارتکاب اعمال گناه و زشت بر حذر بداریم. حال اگر انبیا و اوصیای گرامیشان علیهم‌السلام از خطا و اشتباه مصون نباشند باید آنها را از منکر نهی کنیم؛ یعنی از سویی باید از آنها اطاعت و پیروی کنیم و از سوی دیگر باید آنها را از منکر نهی نماییم؛ در حالی که جمع بین این دو امر هرگز

ممکن نیست؛ در نتیجه باید کسی را به عنوان امام و پیشوا بپذیریم که از خطا و اشتباه مصون باشد.

### ۷. انکار عصمت سقوط از انسانیت

طبق حکم عقل و نقل، امام و پیشوای قوم باید کسی باشد که از نظر عقل و معرفت نسبت به خدا و همه شئون آفرینش أعلم و آگاه‌تر باشد؛ یعنی باید با دیگران قابل مقایسه نباشد. حال اگر شخصی که مدعی امامت و پیشوایی است دارای ویژگی عصمت و مصونیت نباشد، به پایین‌ترین مرتبه و درجه از انسانیت نزول می‌کند و در حد مردم عادی می‌شود.

به عبارت دیگر، اگر قرار است انسان‌ها مرتکب گناهان و لغزش‌ها شوند و کسی هم که به عنوان هادی و رهبر آنها است از خطا و لغزش در امان نباشد، انسان را به پست‌ترین درجات انسانیت و حتی به درجه حیوانیت سقوط می‌دهد که چنین امری با غرض نبوت و امامت در تضاد است.

### نتیجه سخنان فوق

دلایل عقلی فوق، عصمت و مصونیت را برای انبیا و اوصیای گرامیشان علیهم‌السلام اثبات می‌کنند. اعتقاد شیعه طبق دلایل عقلی فوق و دیگر ادله، لزوم عصمت و مصونیت است و نیز عقیده اهل سنت و عامه را در جلسات گذشته (حدود بیست جلسه) مطرح نمودیم و گزاره گویی‌های کتب عامه را در مورد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مورد بحث و بررسی قرار دادیم. حال اگر اهل سنت از ادعای خود دست بردارند، برای ابطال دلایلشان - در عدم عصمت مطلق - به دلایل قرآنی اشاره می‌کنیم. البته چون اهل سنت به قرآن کریم اعتقاد دارند و حتی خود را در فهم قرآن از ما بالاتر می‌دانند (البته این سخن ادعایی بیش نیست) به سراغ دلایل قرآنی می‌رویم.

### عصمت منطقی در آیات قرآن کریم

آیات فراوانی بر این نکته تأکید دارند که اگر عصمت و عاصمیت در رسول خدا ﷺ به عنوان یک رسول و فرستاده محقق نمی‌گشت، ایشان ﷺ در امور شخصی و اجتماعی، به انحرافات و لغزش‌های فراوانی دچار می‌گشتند؛ ولی به لطف علم و دانش فراوان - که سرچشمه عصمت است - از لغزش‌ها و انحرافات جلوگیری شده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا [به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی و] از آیین [تحریف یافته] آنان،

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۰.

پیروی کنی. بگو: هدایت الهی، تنها هدایت است و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شدی، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

۲. ﴿وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَهُمَا أُنزِلُوا إِلَيْكَ مِنَ السَّمَاءِ كُتُوبًا وَاُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَهُمَا وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعِ قِبْلَةٍ بَعْضٌ وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَهُمَا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِكَ وَمَا كُنْ تَعْلَمُ مِنْ قَبْلِكَ مِنْ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾

سوگند که اگر برای [این گروه از] اهل کتاب، هرگونه آیه [و نشانه و دلیلی] بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد و تو نیز هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود و حتی هیچ یک از آنها، از قبله دیگری پیروی نخواهد کرد و اگر تو - پس از این آگاهی - از هوسهای آنها متابعت کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود.

۳. ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنَّ اتَّبَعْتَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾<sup>(۲)</sup>

همان گونه این (قرآن) را بر تو به عنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم و اگر از هوسهای آنان - بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده - پیروی کنی، هیچ کس در برابر خدا، از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد.

۱. همان، آیه ۱۴۵.

۲. سوره رعد، آیه ۳۷.

از آیات فوق و دیگر آیات مشابه، دو نکتهٔ اساسی به دست می‌آید:

۱. به تصریح و نصّ آیات، پیامبر و نبی باید دارای ویژگی عصمت و عاصمیت باشد. این نکته به این دلیل که بادقّت و ظرافت خاصی به دست می‌آید، یا اهل سنّت دقّت به خرج نداده‌اند یا اینکه عمداً نخواسته‌اند به این حقیقت اعتراف کنند.
۲. عصمت و دوری از هرگونه لغزش و گناه از مقولهٔ علم و آگاهی است، نه یک وصف نفسانی پیشگیرانه و اجباری و هرگز نمی‌توان پذیرفت که عصمت از آسمان به زمین سقوط کرده و رسول خدا ﷺ نیز در زمین آن را دریافت نموده و به ویژگی عصمت دست یافته‌اند.

۱۵

علم منطق، علمی است که در سالهای اوّل طلبگی و حتی در بعضی از رشته‌های دانشگاهی تدریس می‌شود. وظیفهٔ این علم، موشکافی جملات و کلمات تلقّف شده است تا راهی باشد برای درک سریع و آسان مقصود متکلم. خداوند متعال در آیات فوق، قضیه‌ای منطقی به کار برده است تا هر انسان واقع‌گرا و حقیقت بین را به وجوب عصمت، رهنمود کند. در علم منطق بابی موجود است به نام قیاسات<sup>(۱)</sup>. در این باب، قیاسات به دو قسمت تقسیم می‌شود:

۱. قیاس حملی (قضایای حملیه) که از موضوع و محمول تشکیل شده است.

۲. قیاس شرطی (قضایای شرطیه) که شامل مقدم و تالی است.

برای روشن‌تر شدن این دو قیاس به دو مثال ساده بنگرید:

۱. الحاشیه، صفحهٔ ۵۴.

۱. در قضیهٔ حملیه می‌گوییم: اینجا چراغ روشن است؛ یعنی با حمل روشنایی بر چراغ، روشن بودن فضا را اثبات کرده‌ایم.

۲. در قضیهٔ شرطیه می‌گوییم: اگر کلید برق را فشار دهیم، چراغ روشن یا خاموش می‌شود.

خداوند متعال در آیات فوق با استفاده از قضیهٔ شرطیه، عصمت را اثبات کرده است. این استدلال به صورت ذیل است:

۱. مقدم: در هر سه آیه مقدم عبارت است از: اگر بعد از علم و دانش از آنها تبعیت کنی.

۲. تالی: از ظالمان، یا از کسانی که از ولایت خداوند متعال خارج می‌شوند، خواهی بود.

### نتیجه

تو از آنان پیروی نکردی، چون ظالم و ستمگر نبودی و این همان معنای عصمت است. اگر بپرسند: از کجا معلوم که رسول خدا ﷺ ظالم و ستمگر نبوده‌اند؟ در پاسخ خواهیم گفت: اگر ایشان ﷺ از ستمگران محسوب می‌شدند هرگز به امامت و رسالت برانگیخته نمی‌شدند.

خداوند متعال در مورد حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و برانگیخته شدن ایشان عَلَيْهِ السَّلَام به مقام امامت می‌فرماید:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا  
قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۲۴.



[به خاطر آورید] هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند]. عصمت، امری است که در آیات فراوان بر آن تأکید شده و خداوند متعال با تکرار این نکته، راه هر گونه شبهه و اشکال را مسدود نموده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup>.

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.

از این آیه، وجوب اطاعت از رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگر انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام استفاده می‌شود. آیا عقلاً می‌توان پذیرفت که خداوند متعال اطاعت کسی را واجب می‌کند که دروغ می‌گوید، به اموال و نوامیس مردم تجاوز می‌کند، مجنون، دیوانه، کوتاه فکر و از خرد و دانش بی بهره باشد.

۲. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>(۲)</sup>.

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود، برای آنها که به رحمت خدا و روز رستاخیز، امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

یعنی الزاماً فقط رسول خدا ﷺ اسوه، نمونه و پیشوای شما است و باید از تمام رفتار و گفتار ایشان ﷺ الگو برداری نمایید و قدم جای قدم‌های ایشان ﷺ قرار دهید؛ ولی پرسش این است: آیا کسی که فاقد ویژگی عصمت است می‌تواند الگو و سمبل دیگران باشد؟

۳. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾<sup>(۱)</sup>.

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

آیه فوق نیز عصمت را صراحتاً اثبات می‌کند تا جای هیچ‌گونه شبهه و اشکالی باقی نماند.

### عصمت در نظر اهل سنت

چنانچه گذشت، شیعیان با استمداد از آیات قرآن کریم، برای پیامبران و اوصیای ایشان ﷺ عصمت را امری ضروری و لازم می‌دانند؛ ولی اهل سنت بر خلاف آیات قرآن کریم، عصمت را بازیه‌ی مقاصد خود قرار داده و از هرگونه

۱. همان، آیه ۳۳.

نسبت زشت و ناروا به مقام شامخ رسول خدا ﷺ دروغ نکرده‌اند. با مقایسه عصمت از منظر شیعه و اهل سنت در می‌یابیم که وحدت در این میان چه معنی و مفهومی دارد! آیا نقطه مشترکی یافت می‌شود که وحدت حول آن محور تحقق بیابد؟ آیا می‌توان با کسانی وحدت داشت که رسول خدا ﷺ را فردی جن زده و پیرو شیطان معرفی می‌کنند یا می‌گویند ایشان ﷺ کسی بودند که به خاطر نیامدن جبرئیل، چندین مرتبه تصمیم گرفتند خود را از کوه پرتاب نمایند و خود کشی کنند و در هر مرتبه جبرئیل علیه السلام، رسول خدا ﷺ را از این عمل منفور و ناپسند منصرف می‌کرد<sup>(۱)</sup>. یا در روایت دیگری عایشه می‌گوید: پیامبر ﷺ اندکی مکث کرد، فکر کرد که نزد زنان خود آمده در حالی که نیامده بود<sup>(۲)</sup>؟! طبق روایتی به نقل از اهل سنت، گروهی از سودانی‌ها و سیاه پوستان به مدینه آمده، مقابل مسجد مدینه مشغول رقص و پایکوبی شدند. جمعیت فراوانی گرد آمدند تا آنها را تماشا کنند. عایشه که زن جوانی بود، به علت فراوانی جمعیت موفق به تماشا نشد؛ لذا از پیامبر ﷺ در خواست کرد او را بر دوش خود سوار کند تا بتواند وقایع را مشاهده نماید و پیامبر ﷺ خواسته او را عملی کرد - العیاذ باللہ -<sup>(۳)</sup>.

### عصمت در منظر شیعیان

کتب روایی اهل سنت آن گونه که باید، برای مقام رسول خدا ﷺ احترام

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۶ صفحه ۸۷ و جلد ۸ صفحه ۶۷، صحیح مسلم، جلد ۱ صفحه ۹۷ و المستدرک، جلد ۳ صفحه ۱۸۳.
۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۷ صفحه ۸۸ و عمدة القاری، جلد ۲۲ صفحه ۱۳۵.
۳. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۲ صفحه ۳ و صحیح مسلم، جلد ۳ صفحه ۲۲.

قائل نشده و هر روایت اعمّ از ضعیف و نادرست را در کتب خود جمع آوری نموده‌اند؛ ولی شیعیان با تمسک به روایاتی صحیح از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به تمجید و تحلیل زندگانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر انبیا علیهم‌السلام پرداخته‌اند که از آن میان به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت امام باقر علیه‌السلام به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

«إنّ في الأنبياء والأوصياء عليهم‌السلام خمسة أرواح: روح القدس وروح الإيمان وروح الحياة وروح القوة وروح الشهوة، فبروح القدس، يا جابر عرفوا ما تحت العرش إلى ما تحت الثرى، ثمّ قال: يا جابر! إنّ هذا الأرواح يصيبها الحدثان إلا أنّ روح القدس لا يلهو ولا يلعب»<sup>(۱)</sup>.  
همانا در انبیا علیهم‌السلام و اوصیا پنج روح است: ۱. روح القدس ۲. روح ایمان ۳. روح زندگی (حرکت) ۴. روح قوه ۵. روح شهوت. ای جابر! ایشان علیهم‌السلام به وسیله روح القدس تمام مطالب را از زیر عرش تا زیر خاک می‌دانند، سپس فرمودند: ای جابر! این چهار روح اخیر را پیشامد و آفت می‌رسد؛ ولی روح القدس بازی و یاوه‌گری نمی‌کند.

طبق این روایت، انبیا و اوصیا علیهم‌السلام همگی مانند انسان‌های معمولی دارای نیروهای بشری هستند و تنها تفاوت آنها علیهم‌السلام با مردم عادی در داشتن روح القدس است که ایشان علیهم‌السلام را از وقوف بر گناهان و انحرافات باز می‌دارد و این دقیقاً همان عصمت است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۵ صفحه ۵۵ و کافی، جلد ۱ صفحه ۲۷۲.

۲. کتاب ارزشمند بحار الأنوار روایتی طولانی درباره اخلاق و تفسیر آیات قرآن کریم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که به فرازهایی از آن اشاره می‌کنیم. حضرت علیه السلام فرمودند:

«وَأَمَّا مَا فَرَضَهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْفَرَائِضِ فِي كِتَابِهِ، فَدَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَهِيَ خَمْسٌ دَعَائِمٌ وَعَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ الْخَمْسَةِ بَنِيَ الْإِسْلَامَ، فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ، لَا يَسَعُ أَحَدًا جَهْلُهَا: أَوَّلُهَا الصَّلَاةُ، ثُمَّ الزَّكَاةُ، ثُمَّ الصِّيَامُ، ثُمَّ الْحَجُّ، ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَهِيَ خَاتَمَتُهَا وَالحَافِظَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ.»

آنچه را خداوند در کتاب خویش واجب ساخته، پایه‌های اسلام‌اند و آنها پنج پایه‌اند و اسلام بر این پنج فریضه، بنیان شده است و خداوند برای هر کدام از این فرائض، چهار حد معین فرموده که هیچ کس را رخصت نادانی اش نباشد: اول نماز، بعد زکات، سپس روزه، آن گاه حج و بعد ولایت که پایان آنها و جامع همه فرائض و سنن است.

حضرت علیه السلام در ادامه به بیان حدود هر کدام از این پنج ستون و پایه می‌پردازند و در مورد خصوصیات امام علیه السلام - که بر مردم ولایت دارد - می‌فرمایند:

«وَأَمَّا حُدُودُ الْإِمَامِ الْمُسْتَحَقِّ لِلْإِمَامَةِ فَمِنْهَا: أَنْ يَعْلَمَ الْإِمَامُ الْمُتَوَلَّى عَلَيْهِ، أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الذَّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا، لَا يَزِلُّ فِي الْفِتْيَا وَلَا يَخْطِئُ فِي الْجَوَابِ وَلَا يَسْهُو وَلَا يَنْسَى، وَلَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ

الدنيا . والثاني : أن يكون أعلم الناس بحلال الله وحرامه ، وضروب أحكامه وأمره ونهيه ، وجميع ما يحتاج إليه الناس ، فيحتاج الناس إليه ويستغني عنه ، والثالث : يجب أن يكون أشجع الناس لأنه فئة المؤمنين التي يرجعون إليها ، إن انهزم من الزحف انهزم الناس بانهزامة . والرابع : يجب أن يكون أسخى الناس وإن بخل أهل الأرض كلهم لأنه إن استولى الشح عليه شح على ما في يديه من أموال المسلمين . والخامس : العصمة من جميع الذنوب ، وبذلك يتميز من المأمومين الذين هم غير معصومين ، لأنه لو لم يكن معصوماً ، لم يؤمن عليه أن يدخل فيما يدخل فيه الناس من موبقات الذنوب المهلكات ، والشهوات واللذات ، ولو دخل في هذه الأشياء لاحتاج إلى من يقيم عليه الحدود ، فيكون حينئذ إماماً مأموماً ، ولا يجوز أن يكون الإمام بهذه الصفة . وأما وجوب كونه أعلم الناس ، فإنه لو لم يكن عالماً لم يؤمن أن يقلب الأحكام والحدود ، ويختلف عليه القضايا المشككة فلا يجيب عنها بخلافها ، أما وجوب كونه أشجع الناس فيما قدمناه ، لأنه لا يصح أن ينهزم فيبوء بغضب من الله تعالى وهذه لا يصح أن يكون صفة الإمام ، وأما وجوب كونه أسخى الناس فيما قدمناه وذلك لا يليق بالإمام»<sup>(١)</sup> .

كسی که شایسته مقام امامت است نشانه هایى دارد؛ از جمله اینکه

١. بحار الأنوار، جلد ٩٠ صفحه ٦٣ و ٦٤.

مأمومین خود را آگاه کند که او، از تمام گناهان کوچک و بزرگ معصوم است، لغزشی در فتوا ندارد و در جواب دادن اشتباه نمی‌کند، سهو و نسیان و لهو و بازی در امور دنیا ندارد. دوم: داناترین مردم، به حلال و حرام خدا و انواع احکام و امر و نهی پروردگار و تمام آنچه مردم به آن نیاز دارند، باشد به گونه‌ای که مردم به او محتاج هستند؛ ولی او از آنها بی‌نیاز است. سوم: باید شجاع‌ترین مردم باشد؛ زیرا او فرمانروای مؤمنان است و از او پیروی می‌کنند و اگر در جنگ فرار کند، به واسطه فرار او همه فرار می‌کنند. چهارم: باید سخاوتمندترین مردم باشد، گرچه تمام مردم روی زمین بخیل باشند؛ زیرا چنانچه بخل بر او تسلط یابد، نسبت به اموال مسلمانان که در اختیار او است بخل می‌ورزد. پنجم: عصمت از تمام گناهان داشته باشد، که با همین امتیاز از سایر مردم که نیستند مشخص می‌شود، زیرا چنانچه معصوم نباشد ممکن است مانند سایر مردم مرتکب گناهان هلاکت‌بار، شهوات و لذات دنیوی شود. وقتی چنین کارهایی را کرد، باید شخص دیگری بر او حد جاری نماید؛ در چنین صورتی او، هم امام است و هم مأموم در حالی که جایز نیست امام دارای چنین خصوصیتی باشد؛ اما اینکه باید داناترین مردم باشد برای این است که، اگر عالم نباشد امکان دارد احکام و حدود را

تغییر دهد و قضایای مشکل او را به اختلاف اندازد؛ به طوری که نتواند به آن جواب بدهد و اگر جواب دهد، مرتبه بعد بر خلاف آن فتوا دهد؛ اما اینکه سر کلام گفتیم، باید شجاع‌ترین مردم باشد، چون اگر فرار کند خود را مشمول خشم پروردگار کرده و این برای امام صحیح نیست؛ اما اینکه در سخن گذشته گفتیم باید سخی‌ترین مردم باشد، زیرا چنان که بیان کردیم برای امام بخل شایسته نیست.

### اهل بیت علیهم‌السلام دریایی از معارف

روایت فوق همان گونه که عصمت را به اثبات می‌رساند، به دنبال اثبات این نکته است که عصمت از مقوله علم و آگاهی است. علم و دانش اهل بیت علیهم‌السلام آنچنان فراوان بود که هر چه از ایشان علیهم‌السلام پرسیده می‌شد به آن پاسخ می‌دادند؛ ولی متأسفانه به دلیل اینکه فهم و شعور مردم در سطح پایین و نازلی قرار داشت، سؤالهای مهم و اساسی پرسیده نمی‌شد و در مواردی سؤالات پوچ و بی اثر، در محضر امام علیه‌السلام مطرح می‌گردید، به عبارت دیگر اهل بیت علیهم‌السلام در عصر و زمانی می‌زیستند که کسی قدر آنان را نمی‌دانست، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بارها فرمودند:

«سلوني قبل أن تفقدوني»<sup>(۱)</sup>.

پیش از آنکه مرا از دست دهید، هر چه می‌خواهید پرسید.

۱. إرشاد، جلد ۱ صفحه ۳۵ و از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۱۶۵.



اما نادانی، چون سعد بن ابی وقاص می‌پرسد: چند مو در سر و صورت من وجود دارد؟<sup>(۱)</sup>!

همچنین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به سینه خود، اشاره می‌کردند و می‌فرمودند:

«إِنَّ هَهُنَا لَعَلْمًا جَمًّا لَوْ وَجَدتْ لَهُ حَمَلَةٌ»<sup>(۲)</sup>.

در اینجا علم فراوانی است، ای کاش حاملانی برای آن می‌یافتیم!

همچنین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر بای «بسم الله» را تفسیر کنم و آن را بر چهل شتر بار کنید، باز برای بردن این بار، شتر کم خواهد آمد<sup>(۳)</sup>.

حضرت امام رضا علیه السلام که ملقب به «عالم آل محمد علیهم السلام» هستند، هنگامی که به ایران تشریف آورند از آنجایی که مردم ایران مردمی زیرک، باهوش و دانشمند بودند، ولی به خاطر حکومت‌ها نمی‌توانستند دانش خود را تجلی دهند، پیرامون امام علیه السلام جمع شدند و سؤال‌هایی از ایشان علیهم السلام پرسیدند و حضرت علیه السلام پاسخ‌های عمیقی ارائه فرمودند که چشمان هر انسان و دانشمندی را به خود خیره می‌کند. اگر مردم از سطح دانش اهل بیت علیهم السلام آگاهی می‌داشتند، قطعاً سؤالات اساسی و مهمی از امام علیهم السلام می‌پرسیدند و در آن صورت بود که به دریای فضائل و دانش اهل بیت علیهم السلام رهنمون می‌شدند؛ همان‌گونه که شاعر می‌گوید:

۱. امالی صدوق، صفحه ۱۹۶ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲ صفحه ۲۸۶.

۲. بحار الأنوار، جلد ۶۵ صفحه ۲۴۵.

۳. بحار الأنوار، جلد ۴۰ صفحه ۱۸۶ و مشارق أنوار الیقین، صفحه ۱۱۹.

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد

غنچهٔ خاموش بلبل را به گفتار آورد<sup>(۱)</sup>

بنابراین اگر شیعیان ادعا می‌کنند که عصمت از مقولهٔ علم و دانش است، سخنی گزاف و بدون دلیل نگفته‌اند؛ زیرا کسی که خود را خلیفه و پیشوای مسلمانان معرفی می‌کند، باید به تمام مصالح و مفاسد آنان آگاهی داشته باشد، وگرنه نمی‌تواند بر مسند خلافت تکیه زند.

بعد از شهادت رسول خدا ﷺ پیر زنی به مسجد آمد و گفت: خلیفهٔ مسلمانان کیست؟ او را نزد خلیفهٔ اول راهنمایی کردند. او گفت: جدّه (مادر بزرگ) چه مقدار ارث می‌برد؟ خلیفهٔ اول که در پاسخ در مانده شده بود، گفت: در قرآن و سنت چیزی نیافته‌ام. خلیفهٔ دوم و سوم هم نتوانستند پاسخ دهند. مغیره بن شعبه<sup>(۲)</sup> که در آنجا حضور داشت گفت: جناب خلیفه! ارث جدّه فلان مقدار است<sup>(۳)</sup>. سؤال این است که خلفای اسلام چگونه خود را خلیفه معرفی می‌کردند، در حالی که در دادن فتوا به افرادی همچون مغیره بن شعبه محتاج بودند؟!

شیعیان طبق فرموده اهل بیت علیهم‌السلام می‌گویند: خلیفه مسلمانان باید اعلم

۱. دیوان صائب تبریزی.

۲. مغیره بن شعبه کسی است که رأس المکرر و الخدعه نامیده شده و یکی از خبیث‌ترین صحابی بوده است. او جزء افرادی بود که در این ایام به خانهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام هجوم بردند و آنجا را به آتش کشیدند و ظاهراً کسی است که با تازیانه حضرت زهرا علیها‌السلام را مورد اذیت و آزار قرار داد.

۳. از منابع اهل سنت: سنن ابن ماجه، جلد ۲ صفحه ۹۱۰، الموطأ، جلد ۲ صفحه ۵۱۳ و بدایة المجتهد، جلد ۲ صفحه ۲۸۵.

الناس باشد و فقط اهل بیت علیهم السلام هستند که از موهبت علم و دانش برخوردارند. البته اهل سنت نیز به علم و دانش اهل بیت علیهم السلام اعتراف می‌کردند؛ ولی باز به خاطر مطامع دنیوی بر امامت آنان علیهم السلام گردن نمی‌نهادند؛ به عنوان نمونه خلیفهٔ دوم بارها خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گفت:

« لا أبقاني الله بأرض لست بها يا أبا الحسن! »<sup>(۱)</sup>.

خداوند مرا بر زمینی که شما در آن حضور ندارید باقی نگذارد.

خلفای صدر اسلام نه تنها دارای علم و دانش کافی نبودند، بلکه از شجاعت و دلاوری نیز بهره‌مند نبودند. در غزوهٔ خندق هنگامی که عمرو بن عبدود توانست از خندق عبور کند، بسیاری گریختند و هیچ یک از مسلمانان دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله را برای نبرد با عمرو بن عبدود لبتیک نگفتند و تنها حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای نبرد پیشگام شدند<sup>(۲)</sup>. در جنگ خیبر نیز هنگامی که ابوبکر و عمر کاری از پیش نبردند، رسول الله صلی الله علیه و آله پرچم سپاه اسلام را به دست حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سپردند و ایشان علیه السلام با شکستن در قلعهٔ خیبر، پیروزی سپاه اسلام را رقم زدند. درست یک شب قبل از این رشادت بود که رسول الله صلی الله علیه و آله در حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

« لأعطين الراية غداً رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله،

۱. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۲ صفحه ۱۰۱ و کنز العمال، جلد ۵ صفحه ۸۳۲.

۲. از منابع اهل سنت: البداية والنهاية، جلد ۴ صفحه ۱۲۰.

کزار غیر فرار»<sup>(۱)</sup>.

فردا پرچم را به کسی می سپارم که خدا و رسولش ﷺ را دوست می دارد و خدا و رسولش ﷺ او را دوست می دارند، می رزمد و نمی گریزد.

در یکی از جنگ‌ها حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنفیه فرمان جنگ و جهاد دادند، او مقداری به جلو حرکت کرد، ولی گویا ترس و اضطراب وجود او را فرا گرفت؛ لذا مقداری به عقب برگشت، حضرت علیه السلام که این صحنه و سستی را از فرزند خود دیدند، با قبضه شمشیر به سینه او کوبیدند و فرمودند:

«أدرکک عرق من أمک»<sup>(۲)</sup>.

این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای.

من که پدر تو هستم ترسی ندارم، اگر مادر شریف و پر فضیلتی همچون صدیقه طاهره علیها السلام می داشتی، هرگز نمی ترسیدی.

بنابراین خصوصیت و امتیازی که اهل بیت علیهم السلام را از دیگران ممتاز می کند علم و دانشی است که از وحی سرچشمه می گیرد و به دنبال آن، عصمت حاصل می شود؛ البته علم و دانش به تنهایی کفایت نمی کند؛ زیرا امروزه مدعیان علم و

۱. کافی، جلد ۸ صفحه ۳۵۱، از منابع اهل سنت: مسند أحمد، جلد ۱ صفحه ۹۹ و صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۷۶.

۲. شرح إحقاق الحق، جلد ۳۲ صفحه ۴۲۳.

دانش فراوان یافت می‌شوند؛ ولی ویژگی عصمت است که انبیا علیهم‌السلام و اوصیای  
گرامی ایشان علیهم‌السلام را ممتاز کرده است.

به سوی معرفت ۱۱۰

« صلی الله عليك يا بنت رسول الله وعلى أبيك وبعلك وبنيك ورحمة الله وبركاته »

« والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته »

## خودآزمایی

- ۱) خواجه طوسی رحمته الله علیه در مورد دلیل عقلی عصمت چه فرموده‌اند؟
- ۲) آیا جایز است که خداوند متعال فردی گناهکار را پیشوای امت قرار دهد؟
- ۳) نقض غرض از بعثت چگونه بر لزوم عصمت دلالت می‌کند؟
- ۴) عصمت چگونه باعث رفع اختلاف از امت می‌شود؟
- ۵) اطاعت و پیروی از چه کسانی واجب است؟
- ۶) آیا انکار عصمت موجب تسلسل می‌شود؟
- ۷) آیا می‌توان رسول یا پیشوایی را نهی از منکر کرد؟
- ۸) آیات قرآن کریم با استفاده از چه قضیه‌ای و چگونه عصمت را اثبات می‌کنند؟
- ۹) آیا می‌توان با اهل سنت وحدت کرد؟
- ۱۰) امام علیه السلام و پیشوای مردم باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟
- ۱۱) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد علم و دانش خود چه فرمودند؟
- ۱۲) شرایط خلیفه از منظر اهل سنت و شیعه چگونه است؟
- ۱۳) شجاعت و دلآوری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌ها چگونه بود؟

نه سهوي معرفت ۱۱۰

۲۴

...یکی از غرض های خداوند متعال از بعثت انبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ارسال رسل، اقامه عدل و هدایت مردم است؛ ولی اگر مردم به حکم عقل خود از پیام های شخصی که مرتکب گناه و خطای می شود، پیروی نکنند، این غرض (اقامه عدل و داد و هدایت مردم) در جامعه پیاده نخواهد شد و در این صورت همه اهداف رسالت، محقق نمی شود. اهل سنت به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشتباه، انحراف و لغزش های فراوانی در طول حیات پرپرگشتان، نسبت می دهند و حتی معتقد اند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تلقی وحی هم معصوم نبودند و افسانه غرانیق را شاهد گفته خود می دانند؛ ولی از آنان می پرسیم: اگر واقعاً رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از صفت عصمت برخوردار نبودند، بر اساس چه دلیلی باید از ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی کنیم؟ آیا این سخن شما به معنای نقض غرض از بعثت نخواهد بود؟

(صفحه ۷ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.  
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.  
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بزرگوار رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)